



مجاز است.

استفاده از: --

از سؤال انا ۱۰ مشخص کنید که معنی کلمات داده شده در کدام گزینه آمده است.

۱. رَكَنَ:

الف - تقلید کرد ب - کم کرد ج - تکیه کرد د - تعدیل کرد

۲. مَهْوَاةٌ:

الف - گهواره ب - هلاکت ج - گذشته د - پرتگاه

۳. غَمَزَ:

الف - نیشگون گرفت ب - گمان کرد ج - اغماض کرد د - عظیم شمرد

۴. أودَعَ:

الف - تعادل برقرار کردن ب - وداع کردن
ج - آسان گردانید د - به ودیعه نهاد

۵. مُنَازَلَةٌ:

الف - دست به گریبان شدن ب - نزول کرد
ج - انجام دادن د - نازل شد

۶. اِتْيَانٌ:

الف - بیداری ب - آوردن ج - تباه کردن د - امید داشتن

۷. حَطٌّ:

الف - انحطاط ب - طمع کرد ج - پایین آورد د - لذت

۸. مَطِيَّةٌ:

الف - فریاد ب - مرکب ج - شکایا د - صحنه

۹. سِيَاطٌ:

الف - سختی کشیدن ب - گریه کردن ج - تازیانه زدن د - استقامت ورزیدن

۱۰. صَفْحٌ:

الف - ندیده گرفتن ب - جوانمردی ج - لغزیدن د - گریه کردن



مجاز است.

استفاده از:

از سؤال ۱۱ تا ۱۴ مشخص کنید که معنی اصطلاحات عرفانی داده شده در کدام گزینه آمده است.

۱۱. تشبیه:

- الف - اعتقاد نداشتن به خدا
ب - نفی صفات حق به طور کلی
ج - همانند شدن
د - جسمیت و مادیت برای خدا قائل شدن

۱۲. تعطیل:

- الف - اعتقاد نداشتن به خدا
ب - از راه رستگاری به دور افتادن
ج - اعتقاد به رؤیت خدا
د - اثبات جسم برای خدا

۱۳. وسواس:

- الف - خاطری که از سوی خدا به دل سالک خطور کند
ب - خوابی که از سوی نفس به دل سالک درآید
ج - خاطری که از سوی فرشته به دل سالک خطور کند
د - خاطری که از سوی شیطان به دل سالک بگذرد

۱۴. تفویض:

- الف - به کار بردن تعویذ و افسون
ب - بنده به استقبال قضای حق رود و تسلیم مقدرات خدا باشد
ج - بنده همه کارهای خود را به خدا واگذار کند
د - افاضه رحمت خدا

در پرسش‌های ۱۵ تا ۲۲ بهترین ترجمه را برای عبارات و جملات داده شده انتخاب کنید.

۱۵. قد صرعه الشیطانُ

- الف - شیطان او را کشت
ب - شیطان او را به مرض صرع مبتلا کرده بود
ج - شیطان او را دیوانه کرده بود
د - شیطان او را گمراه کرد



تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: --

نام درس: متون عرفانی عربی (۱)

رشته تحصیلی/ کُد درس: الهیات و معارف اسلامی - ادیان و عرفان (چندبخشی) (۱۲۲۰۱۶۳)

--

مجاز است.

استفاده از:

۱۶. لا تزاحمه خواطر التشبیه:

الف - پندارهای جسمیت و مادیت خدا او را رها کنند.

ب - فکر همانندی مزاحم او نگردد.

ج - جسمیت او، او را زحمت نمی دهد.

د - به خاطر تشبیه مزاحم کسی نشود.

۱۷. لایشهد له ظاهر

الف - ظاهر بر او آشکار نمی شود.

ب - او ظاهر را مشاهده نمی کند.

ج - ظاهر بر درستی آن گواهی ندهد.

د - شهود ظاهر برای او نیست.

۱۸. یکبج لجام نفسه

الف - افسار نفسش را رها می کند

ب - افسار نفسش را می کشد

ج - نفسش او را افسار می کند

د - نفسش او را لگام می زند

۱۹. إذا أنا بمَلَکَین

الف - ناگهان دو فرشته دیدم

ب - هنگامی که دو شاه دیدم

ج - در این صورت من دو فرشته دارم

د - همانا ما دو مالک هستیم

۲۰. نَبَسُطُهُ عَلِي الْأَذْخِر:

الف - آن را گشایش دادند

ب - در را به رویش گشودند

ج - آن را روی علفها پهن می کنیم

د - آن را باز کردیم

۲۱. مما يتوصل اليه العبد باكتسابه:

الف - از جمله راههایی است که بنده گناهکار توبه می کند.

ب - از جمله چیزهایی است که بنده می تواند به طور اکتسابی به آن برسد.

ج - بنده تنها از طریق اعمالش به خدا می رسد.

د - بنده نمی تواند به آن برسد مگر اتفاقی.

۲۲. أَنْ لَا تَنَافَر:

الف - اینکه فخر نفروشی

ب - این که گذر نکنی

ج - این که نفرت نداشته باشی

د - چشم هم چشمی نکن



تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: --

نام درس: متون عرفانی عربی (۱)

رشته تحصیلی/ کُد درس: الهیات و معارف اسلامی - ادیان و عرفان (چندبخشی) (۱۲۲۰۱۶۳)

--

مجاز است.

استفاده از:

۲۳. کدام گزینه معادل درست (تمر-رد-بت) است؟

- الف - تمبر-ردا-بت
ب - تمبر-رد کردن-بت
ج - خرما-ردا-خواایدم
د - خرما-بازگردانید-خواایدم

۲۴. کدام گزینه معادل اصطلاحات (حافی-شوک-عُكَاز) است؟

- الف - پابرهنه-خار-عصا
ب - درمانده-شک کننده-چوبدستی
ج - خسته-تردید-نردبان
د - پابرهنه-عصا-بازار معروف

در پرسش‌های ۲۵ تا ۲۷ مشخص کنید که جمله داده شده مربوط به کدام اصطلاح عرفانی است

۲۵. «ترک آنچه انسان را از خدا به خود مشغول کند»:

- الف - ورع
ب - انابه
ج - زهد
د - توبه

۲۶. «معنایی که بدون اختیار، بر اثر شادی یا اندوه و ... بر قلب وارد می‌شود»:

- الف - قبض
ب - حال
ج - سماع
د - بسط

۲۷. «سرور و پایکوبی و دست‌افشانی صوفیان در حالت وجد و شور عارفانه»:

- الف - قبض
ب - رضا
ج - حال
د - سماع

در پرسش‌های ۲۸ تا ۳۰ معادل عربی واژگان و عبارات داده شده را مشخص کنید.

۲۸. شب بیدار ماندن:

- الف - سماحة
ب - جلساء
ج - مفارقة
د - السَّهَر

۲۹. انبان:

- الف - قِمَطْرَة
ب - الوادي
ج - الغسال
د - زاد

۳۰. سفال:

- الف - مندیل
ب - سقاة
ج - خَزَف
د - جاریة